

Distribution and Ecological Risk Assessment of Linear Alkylbenzene Sulphonates (LASs) in Anzali International Wetland

Jaffari F, Hassanzadeh N*

Department of Environmental Sciences, Faculty of Environment and Natural Resource, Malayer University, Malayer, Iran

* *Corresponding author.* Tel: +988133339841, Fax: +988132355330, E-mail: n.hassanzadeh@malayeru.ac.ir

Received: Jan 22, 2019 Accepted: Nov 3, 2019

ABSTRACT

Background & objectives: LAS is a major component of household and industrial detergents, which has caused many problems in the biological and non-biological sectors during the last decade due to the discharge of raw urban sewage into aquatic ecosystems. Considering the importance of this issue, the present study examines the concentration, distribution and evaluation of the ecological risk of this pollutant in the Anzali International Wetland.

Methods: 50 stations from Anzali wetland water were selected for sampling. After measuring some water qualitative factors such as temperature, acidity, electrical conductivity and dissolved oxygen at the sampling site, samples were transferred to the laboratory and analysis and extraction of samples was performed using Methylene Blue method. Statistical analysis was performed using SPSS-22 software, pollution concentration zoning map using the conventional kriging method in ArcGIS 10.3 software and LAS risk estimation calculations using RQ formula in Excel software.

Results: Based on research findings, LAS concentration was in the range of 0.01-3.93 mg/L. The highest concentration of LAS was observed in stations of central and eastern part of the wetland and the lowest concentrations in western and Siyah Kashim stations. The results of calculating the risk assessment (RQ) and the zoning of this pollutant showed a higher risk in many areas of the wetlands.

Conclusion: Considering the high concentrations of LAS in most areas of Anzali Wetland, it is necessary to pay more attention to management of urban wastewaters discharge and treatment of municipal wastewater of Anzali port and its adjacent areas and to control the entry of raw wastes into the wetland.

Keywords: Anzali Wetland; Detergents; Linear Alkylbenzene Sulfonate (LAS); Ecological Risk

پراکنش و ارزیابی خطر اکولوژیک آلکیل بنزن سولفانات‌های خطی (LASs) در تالاب بین‌المللی انزلی

فائزه جعفری، نسرين حسن‌زاده*

گروه محیط زیست، دانشکده محیط زیست و منابع طبیعی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران
* نویسنده مسئول. تلفن: ۰۸۱۳۳۳۹۸۴۱ فکس: ۰۸۱۳۳۳۵۵۳۳۰ ایمیل: n.hassanzadeh@malayeru.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: LAS جزء اصلی مواد شوینده خانگی و صنعتی است که در دهه گذشته به دلیل تخلیه فاضلاب‌های شهری خام به اکوسیستم‌های آبی، مشکلات زیادی را در بخش‌های زیستی و غیرزیستی اکوسیستم آبی به وجود آورده است. با توجه به اهمیت این مسئله، مطالعه حاضر به بررسی غلظت، پراکنش و ارزیابی ریسک اکولوژیک این آلاینده در تالاب بین‌المللی انزلی پرداخته است.

روش کار: ۵۰ ایستگاه از آب تالاب انزلی جهت نمونه برداری انتخاب شد. پس از اندازه‌گیری برخی از فاکتورهای کیفی آب از جمله دما، اسیدیته، هدایت الکتریکی، و اکسیژن محلول در محل نمونه برداری، نمونه‌ها به آزمایشگاه منتقل و با استفاده از روش متیلن بلو، آنالیز و استخراج نمونه‌ها انجام شد. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS-22، نقشه پهنه‌بندی غلظت آلاینده با استفاده از روش کریجینگ معمولی در نرم افزار ArcGIS-10.3 و محاسبات ارزیابی ریسک LAS با استفاده از فرمول RQ در برنامه Excel انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، دامنه غلظت LAS را ۳/۹۳ - ۰/۰۱ میلی‌گرم بر لیتر نشان داد. بیشترین غلظت LAS در ایستگاه‌های بخش مرکزی و شرقی تالاب و کمترین غلظت آن در ایستگاه‌های غربی و سیاه کشیم مشاهده شد. نتایج محاسبه ارزیابی ریسک (RQ) و پهنه‌بندی این آلاینده، ریسک زیاد را در بسیاری از مناطق تالاب نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به غلظت بالای LAS در اکثر نقاط تالاب انزلی، لزوم توجه بیشتر به مدیریت تخلیه و تصفیه فاضلاب‌های شهری بندر انزلی و مناطق همجوار آن و کنترل ورود فاضلاب‌های خام به داخل تالاب ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: تالاب انزلی، شوینده‌ها، آلکیل بنزن سولفانات خطی (LAS)، ریسک اکولوژیک

پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲

مقدمه

هستند که ۱۵ تا ۴۰ درصد از کل فرمولاسیون مواد شوینده را تشکیل می‌دهند (۲). سورفکتانت‌ها ترکیبات فعال سطحی هستند که از بخش‌های قطبی و غیرقطبی تشکیل شده‌اند. این ترکیبات به دلیل ویژگی‌های فعال سطحی منحصر به فرد، به طور گسترده در تولید مواد شوینده و پاک‌کننده و محصولات آرایشی و بهداشتی مورد استفاده قرار

امروزه آنچه که بیشتر از همه سلامت اکوسیستم‌های آبی را در معرض آسیب قرار داده است ورود فاضلاب‌های شهری، صنعتی و خانگی است که دارای مقادیر زیادی از دترجنت‌ها (شوینده‌ها) هستند (۱). یکی از مهم‌ترین اجزای شوینده‌ها، سورفکتانت‌ها^۱

^۱ Surfactants

گرفته‌اند، بنابراین جزء عمده فاضلاب‌های شهری محسوب می‌شوند (۱،۳). سورفاکتانت‌ها دارای خاصیت کف‌کنندگی، امولسیون‌کنندگی، انحلال، پراکندگی و پاک‌کنندگی هستند. خواص مذکور به سورفاکتانت‌ها قابلیت تطبیق‌پذیری عالی و امکان استفاده در بسیاری از کاربردها از جمله محصولات دارویی، فرمولاسیون مواد شوینده، محصولات مراقبت شخصی، عملیات فلزکاری، غذا، صنایعی مانند نساجی، رنگ، پلیمر، فرمولاسیون آفت‌کش‌ها، معدن‌کاری، استخراج روغن و خمیر کاغذ و بسیاری از کاربردهای دیگر را می‌دهد (۴-۶).

سورفاکتانت‌ها عمدتاً از چهار نوع آنیونی، غیریونی، کاتیونی و آمفوتریک هستند (۷). آلکیل بنزن سولفونات خطی (LAS) رایج‌ترین سورفاکتانت آنیونی مورد استفاده در مواد شوینده خانگی و صنعتی، به دلیل تجزیه‌پذیری، هزینه کمتر و کارایی بالاتر است که شامل یک حلقه بنزن متصل به یک زنجیره آلکیل خطی و سولفونات در موقعیت پارا است و ۴۰ درصد کل سورفاکتانت‌ها را تشکیل می‌دهد. زنجیره آلکیل خطی معمولاً ۱۰ تا ۱۴ اتم کربن دارد. پس از استفاده، LASs به سیستم‌های تصفیه فاضلاب و یا مسقیماً به منابع آب سطحی وارد می‌شوند (۸،۹).

ورود، توزیع و پراکنش این ترکیبات در منابع آبی، منجر به بروز صدمات مختلفی در بخش‌های مختلف زیستی و غیرزیستی اکوسیستم‌های آبی شده است. در بخش غیرزیستی سورفاکتانت‌ها سبب کاهش کشش سطحی آب و متعاقب آن کاهش انتقال اکسیژن به آب، اختلال در فرایندهای تصفیه آب از جمله اختلال در فرایندهای انعقاد و ته‌نشینی، افزایش هزینه‌های تصفیه، تغییر طعم و بو، ایجاد کف در سطح آب، اختلال در فتوسنتز، افزایش رشد جلبک‌ها و گیاهان آبی، تخریب و انهدام اکوسیستم‌ها، وقوع پدیده یوتریفیکاسیون به جهت افزایش فسفات، افزایش انحلال سایر آلایندهای شیمیایی از جمله هیدروکربن‌های

نفی و فلزات سنگین و افزایش pH و سطح کلرین و ترکیبات ارگانوکلره شده‌اند (۵، ۷-۱۱).

از اثرات LAS در بخش زیستی می‌توان تغییر حالت و کیفیت پروتئین، اختلال در متابولیسم باکتری‌ها، اثرات مهارکنندگی مستقیم و شدید بر روی رشد، تولیدمثل و فعالیت فیزیولوژیکی موجودات آبی، مرگ و میر آبزیان به ویژه ماهی‌ها، کاهش جمعیت پلانکتون‌ها، زئوپلانکتون‌ها و موجودات کفزی را نام برد (۳-۵، ۸، ۱۲). سرنوشت محیطی و توزیع LAS و محصولات حاصل از تخریب آن، از جمله سولفوفیل کربوکسیلات‌ها^۱ در آب و رسوب در سال‌های اخیر علت نگرانی‌ها بوده و مطالعات زیادی به بررسی غلظت LASs در آب (۱۴، ۱۳)، رسوب (۱۷-۱۵) و خاک (۱۸) پرداخته‌اند. بنابراین، ترکیب آنالیز فضایی و کمی LAS در شناسایی وقوع و پراکنش LAS در مقیاس حوزه‌های آبخیز، مفید بوده و می‌تواند از تصمیم‌گیرندگان برای اقدامات متقابل موثر حمایت کند.

در بین اکوسیستم‌های آبی ایران، تالاب انزلی یکی از ۱۰ تالاب ارزشمند در جهان و جزء ۲۲ تالاب بین‌المللی در ایران است که در سال ۱۹۷۵ در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده است (۱۹). به دلیل اهمیت اکولوژیکی، زیستی و اقتصادی این تالاب و از طرف دیگر تخلیه مستقیم حجم زیادی از فاضلاب‌های خانگی، صنعتی، کشاورزی و آلاینده‌های متنوع به این اکوسیستم ارزشمند، تحقیق حاضر با هدف تعیین غلظت و ارزیابی ریسک اکولوژیک آلاینده آلکیل بنزن سولفونات خطی (LAS) و پهنه‌بندی ریسک آلاینده و مقایسه آن با استاندارد سازمان حفاظت از محیط زیست ایران در تالاب بین‌المللی انزلی انجام شد.

^۱ Sulfophenyl Carboxylates

روش کار

منطقه مورد مطالعه

تالاب بین‌المللی انزلی با مساحت تقریبی 200 km^2 و مساحت حوزه آبخیز $374/000$ هکتار در جنوب غربی دریای خزر قرار دارد و شامل ۴ بخش شرقی، غربی (آبکنار)، جنوب (سیاه کشیم) و مرکزی است (۱۷،۲۰). این تالاب از شمال به دریای خزر، از شرق به پیربازار، از غرب به کپورچال و آبکنار و از جنوب به صومعه‌سرا و بخش‌هایی از شهرستان رشت مربوط می‌شود. در بخش شرقی تالاب به دلیل پراکندگی و گسترش صنایع و فعالیت‌های کشاورزی و نیز ورود فاضلاب‌های شهری، مواد آلاینده زیادی وارد تالاب می‌شود و در وضعیت بحرانی قرار دارد. این مشکل در پایین‌دست منطقه پیربازار و کانال نزدیک بندر انزلی به جهت این که فاضلاب شهری وارد آن می‌شود، قابل توجه است. بخش مرکزی متاثر از پساب‌های کشاورزی و فاضلاب‌های روستایی است و به دلیل تردد قایق‌ها دچار صدمات محیط زیستی جدی شده است. بخش غربی، تنها بخشی است که فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی پراکنش چندانی ندارد. رشد و توسعه شهرها و شهرک‌های صنعتی بدون مکان‌یابی صحیح، از عوامل اصلی تهدیدکننده تالاب انزلی و از منابع مهم آلودگی آب تالاب می‌باشد. مانند منطقه طالب‌آباد که در حد فاصل تالاب و دریای خزر (فاصله بین بندر انزلی و حسن رود) قرار دارد. صنایع متفاوت نظیر فولادسازی، لاستیک‌سازی، سرامیک‌سازی، پلاستیک‌سازی و صنایع شیر مستقر در شهرهای رشت، انزلی، فومن و صومعه‌سرا منابع مختلف آلاینده به‌شمار می‌روند. پساب تمامی این صنایع به درون رودخانه‌ها ریخته و در نهایت وارد تالاب می‌شود. رودخانه‌های زرجوب و گوهررود (از سرشاخه‌های رودخانه پیربازار که از داخل شهر عبور می‌کنند) منابع اصلی ورود فاضلاب شهری و صنعتی در تالاب انزلی هستند (۱۹).

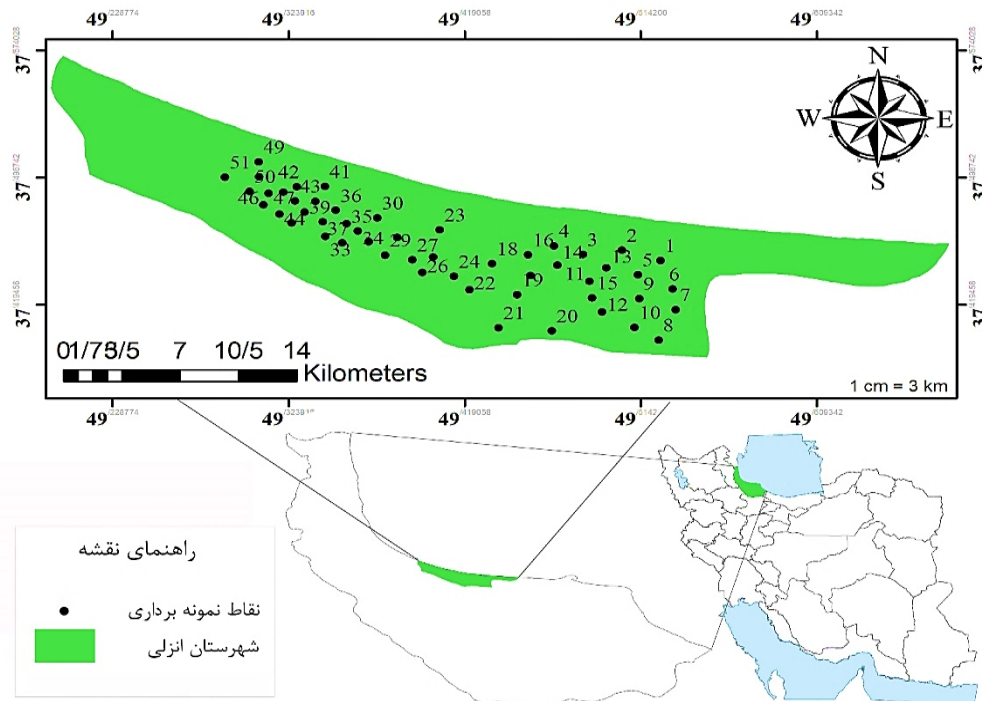
نمونه برداری

این مطالعه از نوع پژوهشی بوده و در بهار ۱۳۹۸ در تالاب انزلی انجام شده است. جهت نمونه‌برداری ۵۰ ایستگاه در تالاب انزلی (بخش شرقی، مرکزی، غربی و جنوبی) و محدوده اطراف تالاب بر اساس کاربری‌های مختلف، ورودی‌های فاضلاب و کانال‌هایی که از شهرهای رشت، صومعه‌سرا و بندر انزلی وارد تالاب می‌شدند، انتخاب شد. نمونه برداری از ستون آب و با ۳ تکرار انجام شد. نمونه‌های آب پس از قرار گرفتن در ظروف پلی اتیلنی ۱ لیتری که از قبل اسیدشویی شده و با آب مقطر نیز شستشو داده شده بودند، بلافاصله در داخل یخ به آزمایشگاه منتقل شدند تا هرچه سریع‌تر جهت آنالیز آماده شوند. همچنین موقعیت مکانی نقاط نمونه‌برداری با استفاده از دستگاه GPS برداشت گردید (شکل ۱) و برخی از فاکتورهای کیفی آب از جمله دمای آب (T)، اسیدیته (pH)، هدایت الکتریکی (EC) و اکسیژن محلول (DO) در محل نمونه‌برداری اندازه‌گیری شد.

استخراج و آنالیز شیمیایی LAS

در آزمایشگاه اندازه‌گیری میزان LAS به‌روش سابلیشن- متیلن بلو طبق دستورکار ارائه شده در کتاب «استاندارد متد» طی ۴ مرحله فیلتراسیون، سابلیشن، حذف حلال اتیل استات و متیلن بلو صورت گرفت (۲۱). در مرحله نهایی ۵۰ سی سی از نمونه در قیف دکانتور وارد شد و بعد از افزودن ۱۲/۵ سی سی محلول متیلن بلو، ۵۰ سی سی کلروفرم اضافه شد و به مدت ۳۰ ثانیه به شدت تکان داده شد و سپس به مدت ۳ دقیقه به حال خود رها شد تا فاز آبی و فاز آلی (لایه زیرین) از هم تفکیک شد و سپس فاز آلی (کلروفرم) جمع‌آوری شد. این عمل ۲ بار دیگر با ۵ سی سی کلروفرم تکرار شد. در نهایت کل فاز آلی جمع‌آوری و به حجم ۱۵ سی سی رسانده شد و بعد از ۱۰ دقیقه با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۶۲۵ نانومتر، مقدار جذب قرائت شد. از طریق

معادله خط کالیبراسیون، غلظت LAS برحسب میلی گرم بر لیتر محاسبه شد.



شکل ۱. موقعیت مکانی ایستگاه‌های نمونه برداری در تالاب انزلی

محاسبات آماری

محاسبات آماری با استفاده از نرم افزارهای Excel-2007 و SPSS-22 صورت گرفت. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد. نتایج آزمون آماری نرمال بودن داده‌ها را تایید کرد ($Sig = 0.06$). به جهت بررسی رابطه بین غلظت LAS و برخی از فاکتورهای کیفی آب از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. همچنین جهت پهنه‌بندی غلظت آلاینده از روش کریجینگ معمولی^۱ در نرم‌افزار ArcGIS-10.3 استفاده شد.

ارزیابی ریسک اکولوژیک LAS

ارزیابی ریسک اکولوژیک با محاسبه شاخص RQ ^۲ برای LAS اندازه‌گیری شده در نمونه آب انجام شد. RQ با تقسیم حداکثر غلظت ماده آلاینده (MC) بر

غلظت‌های بدون اثر پیش‌بینی شده آلاینده (PNEC) محاسبه شد (۲۲).

رابطه ۱) $RQ = MC/PNEC$

PNEC با استفاده از رابطه زیر محاسبه شد:

رابطه ۲) $PNEC = (EC_{50} \text{ or } LC_{50}) / AF$

که در آن EC_{50} ^۳ (غلظت موثر، کاهش یک فرآیند بیولوژیکی به میزان ۵۰ درصد) و LC_{50} ^۴ (غلظت کشنده، کشتن ۵۰ درصد از موجودات زنده) و AF فاکتور ارزیابی استاندارد که جهت مطالعات کوتاه‌مدت و در آب‌های شیرین ۱۰۰۰ در نظر گرفته می‌شود. بر اساس مطالعات سم‌شناسی که در ارتباط با LAS در محیط‌های آبی انجام شده است مقدار $PNEC$ ۰/۲۷ برآورد گردیده است که در این مطالعه نیز از این عدد جهت محاسبات استفاده

^۳ Effective Concentration

^۴ Lethal Concentration

^۱ Ordinary Kriging Method

^۲ Risk Quotient

می‌شود. ارزیابی ریسک اکولوژیک در ارگانسیم‌های آبی در ۳ طبقه قرار می‌گیرد: کم‌خطر ($RQ > 0.1$)، خطر متوسط ($0.1 < RQ < 1$) و خطر زیاد ($RQ \leq 1$).

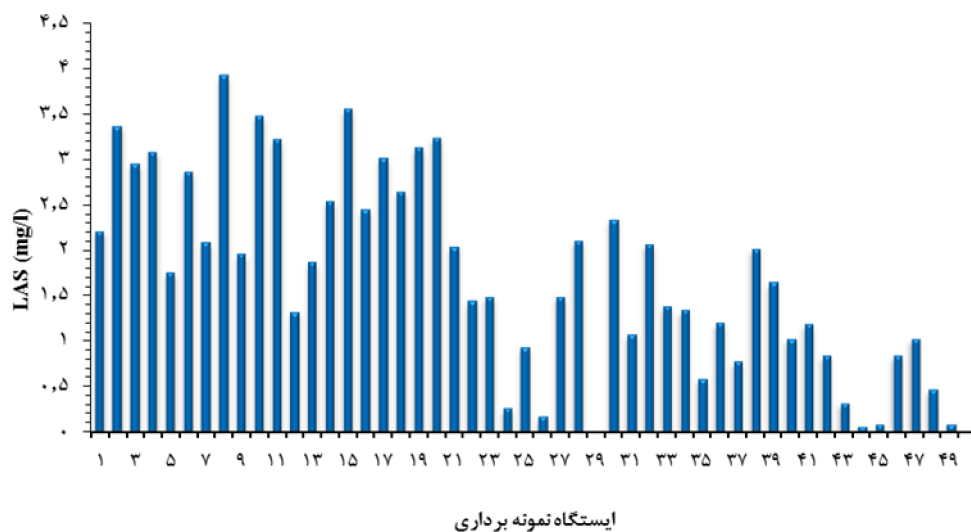
یافته‌ها

اطلاعات مربوط به فاکتورهای کیفی آب شامل میانگین، کمینه، بیشینه، انحراف معیار و انحراف از میانگین در جدول ۱ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود pH در دامنه ۸/۳۰-۶/۱۴ ثبت شده است که نشان‌دهنده قلیایی بودن آب تالاب انزلی است و کمترین مقدار آن در ایستگاه شماره ۴۲ و بیشترین مقدار آن در ایستگاه‌های شماره ۲ و ۱۳ می‌باشد. مقدار هدایت الکتریکی (EC) در دامنه ۱۰۰۲/۳۲-۳۷۴۰/۲۳ میکروزیمنس بر سانتی متر است که کمترین آن در ایستگاه شماره ۲۷ و بیشترین

آن در ایستگاه شماره ۸ ثبت گردیده است. مقدار اکسیژن محلول در دامنه ۹/۱۴-۵/۷۶ میلی‌گرم بر لیتر اندازه‌گیری شده است که کمترین مقدار آن در ایستگاه شماره ۱۴ و بیشترین مقدار آن در ایستگاه شماره ۲۶ به ثبت رسیده است. دما نیز در محدوده ۱۴-۲۰/۵۸ درجه سانتی‌گراد ثبت گردیده است که کمترین میزان آن مربوط به ایستگاه شماره ۴۲ و بیشترین میزان آن در ایستگاه شماره ۲ می‌باشد. نمودار ۱ غلظت LAS اندازه‌گیری شده در نمونه‌های آب تالاب انزلی را نشان می‌دهد. جدول ۲ اطلاعات توصیفی LAS اندازه‌گیری شده شامل مقادیر کمینه، بیشینه، میانگین، انحراف معیار و انحراف از میانگین را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی پارامترهای کیفیت آب در ایستگاه‌های مورد مطالعه در تالاب انزلی

اسیدیته (pH)	هدایت الکتریکی ($\mu\text{S/cm}$) (EC)	اکسیژن محلول (DO) (mg/l)	دما (T) ($^{\circ}\text{C}$)
۷/۶۱	۲۲۱۸/۸۱	۲۰/۳۵	۱۸/۱۸
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۶/۱۴	۱۰۰۲/۳۲	۵/۷۶	۱۲/۵۸
۸/۳۰	۳۷۴۰/۲۳	۹/۱۴	۲۰/۱۴
۰/۵۶	۷۵۴/۳۰	۹۰/۵۷	۱/۵۱
۰/۰۸	۱۰۶/۶۷	۱۲/۸۰	۰/۲۱



نمودار ۱. غلظت LAS در ایستگاه‌های مورد مطالعه در آب تالاب انزلی

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود غلظت LAS در دامنه ۳/۹۳ - ۰/۰۱ و با میانگین ۱/۷۰ میلی گرم بر لیتر قرار دارد که با توجه به نمودار ۱، کمترین مقدار آن در ایستگاه ۵۰ و بیشترین مقدار آن در ایستگاه شماره ۸ به ثبت رسیده است.

جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن را بین LAS و فاکتورهای کیفی آب ارائه می‌دهد. نتایج آزمون همبستگی، بین LAS با EC و pH رابطه مثبت و معنادار و بین LAS با DO رابطه منفی را نشان می‌دهد.

جدول ۴ نتایج حاصل از محاسبات ارزیابی ریسک اکولوژیک (RQ) را نشان می‌دهد. طبق نتایج مقادیر شاخص RQ در دامنه ۱۴/۵۶ - ۰/۰۴ و با میانگین ۶/۳۰ قرار دارد که کمترین مقدار شاخص RQ در ایستگاه شماره ۵۰ و بیشترین مقدار آن در ایستگاه ۸ گزارش شده است. در شکل ۲ نقشه پهنه‌بندی (توزیع فضایی) LAS به روش کریجینگ معمولی در آب تالاب انزلی با خطای میانگین ۰/۰۰۸۴ و خطای ریشه میانگین مربعات ۰/۷۰ ارائه شده است.

جدول ۲. جدول توصیفی غلظت LAS در نمونه‌های آب تالاب انزلی

تعداد	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف از میانگین	انحراف معیار
۵۰	۱/۷۰	۰/۰۱	۳/۹۳	۰/۱۵	۱/۰۹

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن بین غلظت LAS و فاکتورهای کیفی آب

T	DO	EC	pH	LAS
				۱
			۱	**۰/۵۸۶
		۱	**۰/۵۷۸	**۰/۷۷۴
	۱	**۰/۵۶۵	**۰/۳۸۰	**۰/۵۹۰
۱	-۰/۱۳۳	-۰/۱۸۰	*۰/۳۲۰	۰/۰۰۴

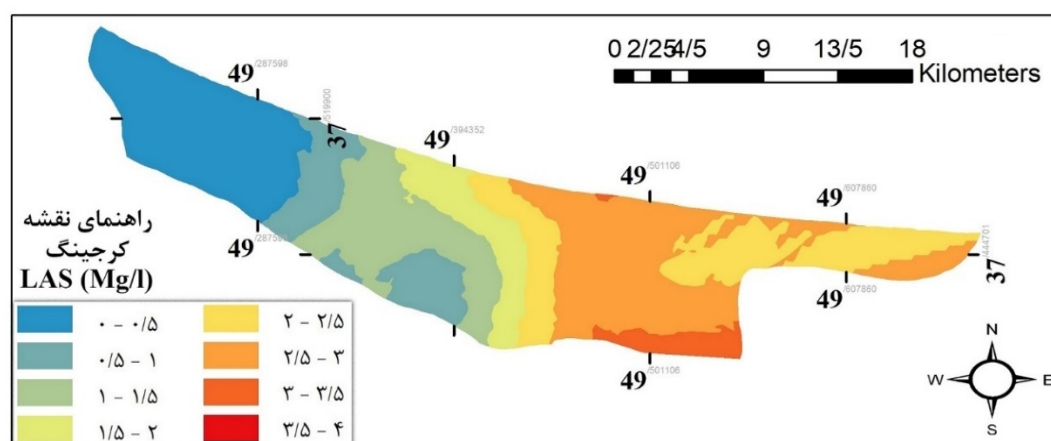
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۴. نتایج ارزیابی ریسک اکولوژیک LAS در نمونه آب تالاب انزلی

RQ=MC/PNEC				PNEC= ۰/۲۷ mg/l			
حالت ریسک	RQ	MC	ایستگاه	حالت ریسک	RQ	MC	ایستگاه
ریسک متوسط	۰/۶۳	۰/۱۷	۲۶	ریسک بالا	۸/۱۹	۲۱۲	۱
ریسک بالا	۵/۵۲	۱/۴۹	۲۷	ریسک بالا	۱۲/۴۸	۳/۳۷	۲
ریسک بالا	۷/۸۱	۲/۱۱	۲۸	ریسک بالا	۱۰/۹۳	۲/۹۵	۳
ریسک کم	۰/۰۷	۰/۰۲	۲۹	ریسک بالا	۱۱/۴۴	۳/۰۹	۴
ریسک بالا	۸/۶۷	۲/۳۴	۳۰	ریسک بالا	۶/۵۲	۱/۷۶	۵
ریسک بالا	۴/۰۰	۱/۰۸	۳۱	ریسک بالا	۱۰/۶۳	۲/۸۷	۶
ریسک بالا	۷/۶۷	۲/۰۷	۳۲	ریسک بالا	۷/۷۴	۲/۰۹	۷
ریسک بالا	۵/۱۵	۱/۳۹	۳۳	ریسک بالا	۱۴/۵۶	۳/۹۳	۸
ریسک بالا	۴/۹۶	۱/۳۴	۳۴	ریسک بالا	۷/۲۶	۱/۹۶	۹
ریسک بالا	۲/۱۹	۰/۵۹	۳۵	ریسک بالا	۱۲/۸۹	۳/۴۸	۱۰
ریسک بالا	۴/۴۴	۱/۲	۳۶	ریسک بالا	۱۱/۹۶	۳/۲۳	۱۱
ریسک بالا	۲/۸۹	۰/۷۸	۳۷	ریسک بالا	۴/۸۹	۱/۳۲	۱۲

ریسک بالا	۷/۴۸	۲/۰۲	۳۸	ریسک بالا	۶/۹۳	۱/۸۷	۱۳
ریسک بالا	۶/۱۱	۱/۶۵	۳۹	ریسک بالا	۹/۴۱	۲/۵۴	۱۴
ریسک بالا	۳/۸۱	۱/۰۳	۴۰	ریسک بالا	۱۳/۱۹	۳/۵۶	۱۵
ریسک بالا	۴/۴۱	۱/۱۹	۴۱	ریسک بالا	۹/۰۷	۲/۴۵	۱۶
ریسک بالا	۳/۱۱	۰/۸۴	۴۲	ریسک بالا	۱۱/۱۹	۳/۰۲	۱۷
ریسک بالا	۱/۱۹	۰/۳۲	۴۳	ریسک بالا	۹/۸۱	۲/۶۵	۱۸
ریسک متوسط	۰/۲۲	۰/۰۶	۴۴	ریسک بالا	۱۱/۵۹	۳/۱۳	۱۹
ریسک متوسط	۰/۳۰	۰/۰۸	۴۵	ریسک بالا	۱۲/۰۰	۳/۲۴	۲۰
ریسک بالا	۳/۱۱	۰/۸۴	۴۶	ریسک بالا	۷/۵۶	۲/۰۴	۲۱
ریسک بالا	۳/۸۱	۱/۰۳	۴۷	ریسک بالا	۵/۳۷	۱/۴۵	۲۲
ریسک بالا	۱/۷۴	۰/۴۷	۴۸	ریسک بالا	۵/۵۲	۱/۴۹	۲۳
ریسک متوسط	۰/۳۰	۰/۰۸	۴۹	ریسک متوسط	۰/۹۶	۰/۲۶	۲۴
ریسک کم	۰/۰۴	۰/۰۱	۵۰	ریسک بالا	۳/۴۴	۰/۹۳	۲۵



شکل ۲. نقشه توزیع فضایی LAS در آب تالاب بین المللی انزلی

بحث

نتایج این مطالعه حضور LAS را در تمامی ایستگاه‌های مورد مطالعه نشان داد. غلظت LAS در مناطق مختلف تالاب تفاوت معنادار آماری ($p < 0.05$) را نشان داد. میانگین LAS در کل ایستگاه‌های حوضه مورد مطالعه ۱/۷ میلی گرم بر لیتر بود که این مقدار بالاتر از حد مجاز اعلام شده توسط سازمان حفاظت از محیط زیست ایران، جهت تخلیه به منابع آب سطحی (حد مجاز ۱/۵ میلی گرم بر لیتر) و مصارف کشاورزی (۰/۵ میلی گرم بر لیتر) است (۲۳). به طور مشابه نتایج مطالعه ابراهیمی و همکاران (۲۳) نیز نشان داده است پساب خروجی از برکه‌های تثبیت فاضلاب شهر یزد، از نظر تخلیه به منابع آب سطحی و مصارف کشاورزی و

آبیاری بالاتر از حد مجاز است. در سال‌های گذشته پژوهش‌های مشابهی نیز حضور LAS در آب تالاب انزلی را تایید کرده‌اند. مقایسه نتایج این پژوهش‌ها، افزایش غلظت LAS را در طول زمان نشان داده است. به عنوان مثال در مطالعه دادای قندی و همکاران (۲۴)، میانگین سالانه LAS در تالاب انزلی در سال‌های ۸۱-۱۳۸۰، ۱۳۷ میلی گرم بر لیتر به دست آمده است. در این مطالعه ایستگاه رودخانه پیربازار با میانگین ۰/۲۷۳ میلی گرم بر لیتر به دلیل ورود فاضلاب‌های تصفیه نشده شهر رشت و روستاهای اطراف، بیشترین مقدار LAS را دارا بوده است که با نتایج این مطالعه همخوانی دارد. در مطالعه سلیمانی رودی و همکاران (۲۵) در سواحل جنوبی دریای خزر

میانگین سالانه غلظت LAS در ترانسکت انزلی در سال ۸۹، ۰/۱۹۰ میلی گرم بر لیتر بوده است. در سال ۸۷ میانگین سالانه LAS در ترانسکت انزلی ۰/۰۵۵ میلی گرم بر لیتر ثبت شده است که نسبت به سال ۸۹ افزایش ۲ برابری داشته است. به دلیل این که مطالعه دادای قندی و همکاران در خود حوضه تالاب انزلی (بخش شرقی، غربی، مرکزی) و با تعداد ایستگاه بیشتر و پوشش دهی کل تالاب انجام شده، مقدار LAS بیشتری نسبت به مطالعه سلیمانی رودی که تنها شامل ۱ ایستگاه از تالاب انزلی بوده است، شناسایی شده است.

مطابق نتایج به دست آمده، بیشترین غلظت‌های LAS در ایستگاه‌های بخش شرقی تالاب و حداکثر غلظت آن در رودخانه پیربازار (ایستگاه ۸) به دست آمد. عواملی همچون: گسترش شهرها و افزایش روزافزون تراکم جمعیت در کرانه‌های تالاب انزلی، پراکندگی و گسترش صنایع و فعالیت‌های کشاورزی در بخش شرقی تالاب، عدم وجود سیستم تصفیه فاضلاب و سرازیر شدن فاضلاب خانگی و صنعتی شهر بندر انزلی به تالاب از طریق رودخانه‌های زرجوب و گوهررود (از رودخانه‌های سرشاخه رودخانه پیربازار) (ایستگاه‌های ۲، ۳ و ۴)، ورود فاضلاب‌های خانگی، صنعتی و کشاورزی شهرها و روستاهای اطراف به تالاب از طریق رودخانه پیربازار (ایستگاه‌های ۸ و ۱۰)، رودخانه حسن‌رود (ایستگاه‌های ۲ و ۳)، کانال نهنک روگا (ایستگاه ۱۶)، رودخانه هندخاله (ایستگاه‌های ۲۰ و ۲۱) و سایر رودخانه‌ها، در گسترش آلودگی نقش داشته‌اند. به طور مشابه در مطالعه خیادانی و همکاران (۲۶) و حاجیان نژاد و همکاران (۲۷)، غلظت LAS با عبور رودخانه از مناطق شهری و آلوده‌کننده‌های نقطه‌ای افزایش یافته است که با تاثیر کاربری‌ها و مراکز جمعیتی در افزایش غلظت LAS در این مطالعه همخوانی دارد. رودخانه‌های زرجوب و گوهررود امروزه به یکی از کانال‌های انتقال فاضلاب تبدیل شده‌اند و در وضعیت آلوده‌ای به سر می‌برند.

۱۱ رود اصلی و ۳۰ رود فرعی آب تالاب را تامین می‌کنند و پس از آبیاری مزارع و شالیزارها به همراه جریان‌های سطحی به تالاب انزلی می‌ریزند و در نهایت مقدار زیادی از مواد آلی، مواد معدنی، پساب‌های صنعتی و کشاورزی و فاضلاب‌های خانگی به داخل تالاب رها می‌کنند (۲۰). مطالعات صورت گرفته نشان داده است که از ۳۸ واحد صنعتی آلاینده آب در استان گیلان، ۲۳ واحد صنعتی در حاشیه تالاب و یا در مسیر رودخانه‌های منتهی به تالاب قرار گرفته است و نقش آن‌ها در آلودگی این اکوسیستم حساس به خوبی آشکار است. هرساله بیش از ۳۲ میلیون مترمکعب فاضلاب خانگی شهرستان‌های رشت، انزلی، صومعه‌سرا، فومن و ماسال که درحوضه آبخیز تالاب انزلی هستند، وارد تالاب می‌شود. شهرهای رشت و انزلی به ترتیب اولین و دومین شهر بزرگ استان گیلان از لحاظ جمعیت محسوب می‌شوند. رشد فزاینده جمعیت این دو شهرستان که تقریباً نیمی از جمعیت شهری استان را در خود جای داده‌اند بر اکوسیستم تالاب اثر سوء داشته است. به علت بالابودن سطح آب‌های زیرزمینی شهر رشت، فاضلاب‌های خانگی و شهری مستقیماً به رودخانه‌های زرجوب و گوهررود و در بندر انزلی به تالاب تخلیه می‌شود. همچنین روزانه بیش از ۴۰ تن زباله مربوط به شهرستان‌های رشت، خمام و کوچصفهان به رودخانه سیاهرود وارد می‌شود (۱۹).

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین LAS و فاکتورهای کیفی آب نشان داد بین LAS با pH و EC رابطه مثبت و معنی‌دار در حد ۰/۰۱ و بین LAS با DO رابطه منفی در حد ۰/۰۱ برقرار است. در واقع غلظت بیشتری از EC و pH در ایستگاه‌هایی با غلظت بیشتر LAS دیده شد. همچنین نتایج این آزمون نشان داد بین دما و pH رابطه منفی در حد ۰/۰۵، بین EC و pH رابطه مثبت و معنی‌دار در حد ۰/۰۱ و بین pH و DO رابطه منفی در سطح ۰/۰۱ برقرار است. هرچه pH آب پایین‌تر باشد آب تمایل به خوردگی و

هرچه pH آب بالاتر باشد، آب تمایل به ایجاد رسوب و ته نشینی دارد. خوشبختانه با توجه به قلیایی بودن آب‌های تالاب انزلی امکان خلالت عناصر سنگین و رهاسازی آن‌ها از رسوبات و تجمع آن‌ها در آب‌ها بسیار ضعیف می‌باشد اما در صورت هرگونه تغییر در EC و pH در این اکوسیستم، احتمال آلودگی بیش از حد آن و تأثیرگذاری بر زنجیره غذایی بسیار زیاد است (۱۸). pH آب تحت تأثیر مواد معدنی محلول در آب، ذرات معلق و گرد و غبار موجود در هوا، زباله‌ها و ضایعات ساخته شده توسط انسان، گیاهان و حیوانات از طریق فتوسنتز و تنفس، فعالیت باکتریایی، تلاطم آب، مواد شیمیایی موجود در روانابی که به درون آب می‌ریزد، سرریز فاضلاب و سایر فعالیت‌های انسانی چه در حوضه زهکشی و چه در خارج از آن (به عنوان مثال، تخلیه اسید معادن زغال سنگ، نشت تصادفی و بارش اسیدی) قرار می‌گیرد (۲۸). به طور مشابه نتایج مطالعه هوشیاری و همکاران (۲۹) در سد درودزن فارس نیز رابطه مثبت بین LAS و pH را نشان داده است. تخلیه پساب‌ها، فاضلاب‌ها و رواناب‌ها به جریان آب می‌تواند بسته به ترکیب آن‌ها، هدایت الکتریکی را تغییر دهد. نشت سیستم‌های فاضلاب به داخل منابع آب سطحی به دلیل وجود کلرید، فسفات و نیترات سبب بالارفتن هدایت الکتریکی آب و افزایش مصرف اکسیژن محلول در آب از طریق تجزیه و واکنش‌های شیمیایی می‌شود (۳۰، ۳۱). به طور مشابه نتایج مطالعه خیادانی و همکاران (۲۶) و حاحیان نژاد و همکاران (۲۷) نیز رابطه مثبت بین LAS و EC را نشان داده است. همچنین نتایج این مطالعات رابطه مستقیم LAS را با اکسیژن خواهی ۵ روزه (BOD_5) نشان داده است که با افزایش غلظت LAS و افزایش مصرف اکسیژن و در نهایت کاهش اکسیژن محلول در آب در این مطالعه همخوانی دارد. نتایج مطالعه ابراهیمی و همکاران (۲۳) نیز رابطه مثبت LAS با EC و رابطه منفی با DO را نشان می‌دهد که با نتایج

این مطالعه همخوانی دارد با این تفاوت که آن مطالعه در برکه‌های تثبیت فاضلاب صورت گرفته است. نقشه پهنه‌بندی غلظت LAS (شکل ۲) به وضوح نشان می‌دهد بیشترین غلظت LAS به ترتیب در بخش شرقی < مرکزی < سیاه کشیم > غربی است که علت این امر را می‌توان رشد و توسعه شهرها و شهرک‌های صنعتی و به تبع، افزایش دریافت فاضلاب‌های خانگی و صنعتی و آلودگی‌های ایجاد شده توسط گردشگران در بخش شرقی و دریافت پساب‌های کشاورزی و روستایی در بخش مرکزی نسبت به سایر مناطق تالاب، نسبت داد. در مشاهدات میدانی نیز ورود مستقیم و روزانه فاضلاب‌های شهری و محلی به این بخش از تالاب مشاهده شده است. پایین‌ترین غلظت LAS در ایستگاه‌های بخش غربی و سیاه کشیم مشاهده شد که علت آن قرار گرفتن در فاصله دورتر از مناطق پرجمعیت شهری، فعالیت‌های انسانی کمتر و استفاده کمتر از شوینده‌ها و محصولات حاوی LAS است، اما پساب‌های کشاورزی اطراف منطقه به این بخش از تالاب وارد می‌شود و از آن جایی که LAS در فرمولاسیون کودهای شیمیایی به کار می‌رود، این مناطق نیز تحت تأثیر آلودگی LAS قرار دارند. نتایج ارزیابی ریسک اکولوژیک (RQ) نشان داد ایستگاه‌های ۲۹ و ۵۰ دارای ریسک کم، ایستگاه‌های ۲۴، ۲۶، ۴۴، ۴۵ و ۴۹ دارای ریسک متوسط و بقیه ایستگاه‌ها دارای ریسک زیادی هستند. به طور مشابه در مطالعات ساکایی و همکاران (۳۲)، نتایج ارزیابی ریسک اکولوژیک LAS نشان داد، غلظت LAS در ۶ زیرحوضه بالاتر از سطح ریسک اکولوژیک قرار دارد که ۳ زیرحوضه در وضعیت نگران کننده و ۳ زیرحوضه به عنوان مناطق حساس و مستعد خطر شناخته شدند. در مطالعات هوشیاری و همکاران (۲۹) نتایج ارزیابی ریسک اکولوژیک LAS در آب سد درودزن نشان داد به جز یک ایستگاه که دارای ریسک متوسط است در سایر ایستگاه‌ها به دلیل منابع آلوده کننده محدود و غلظت کم LAS، ریسک اکولوژیک کم است.

مطالعات نشان داده است سمیت مزمن و زیر کشنده LAS بر روی ارگان‌های آبرزی کم‌تر از ۱ میلی‌گرم بر لیتر است، در حالی که دامنه غلظت‌های LAS بیش از حد سمیت (یعنی 1mg/L) در آب‌های سطحی سراسر جهان یافت شده است (۳۲). سازمان حفاظت از محیط زیست ایران، حداکثر غلظت مجاز LAS جهت تخلیه به آب‌های سطحی را $1/5$ میلی‌گرم در لیتر و سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا (EPA) حداکثر غلظت ثانویه عوامل کف‌کننده در آب را $0/5$ میلی‌گرم در لیتر اعلام کرده است (۲۳)، در حالی که مقادیر بالاتر از این حد در آب تالاب انزلی اندازه‌گیری شد. LAS در شرایط هوایی تجزیه‌پذیر است و با تصفیه فاضلاب از بین می‌رود، بنابراین مقادیر زیاد LAS در آب نشان‌دهنده تخلیه فاضلاب تصفیه‌نشده است. مطالعات ونگ و همکاران (۱۵)، آخادر و همکاران (۱۶)، وی و همکاران (۳۳) و ریاحی بختیاری و همکاران (۱۷) نیز نشان‌دهنده غلظت‌های زیاد LAS در نتیجه تاثیر فعالیت‌های انسانی، کاربری‌های اطراف و ورود فاضلاب‌های تصفیه‌نشده بوده است. نتایج مطالعات ریاحی بختیاری و همکاران در خصوص بررسی توزیع فضایی آلکیل بنزن‌های خطی (LABs) در رسوبات سطحی تالاب بین‌المللی انزلی، غلظت LABs را در دامنه‌ای از $394/12-109305/26$ نانوگرم بر گرم وزن خشک نشان داد. نتایج این مطالعه ورود فاضلاب خام یا فاضلاب با تصفیه کم به داخل تالاب را نشان داده است که با نتایج این مطالعه همخوانی دارد. شریعتی و همکاران (۳۴) نیز در مطالعات خود در تالاب انزلی بیان داشتند تالاب انزلی به طور اجتناب‌ناپذیری تحت تاثیر فعالیت‌های شدید انسانی از قبیل تخلیه آلاینده‌ها به انزلی، ورود فاضلاب‌های خانگی شهر رشت، انزلی و دیگر شهرها و روستاها به این منطقه، رواناب کشاورزی، دفع زباله، ضایعات معدنی، فاضلاب‌های صنعتی و فاضلاب‌های صنعت کشتیرانی قرار دارد که عوامل اصلی آلودگی اکوسیستم‌های تالابی در نظر

گرفته می‌شوند. از آنجایی که ساکنان این منطقه به طور گسترده ماهی‌ها و پرندگان این تالاب را مصرف می‌کنند، آلودگی می‌تواند به راحتی به بدن انسان منتقل شود. همچنین واکنش شوینده‌ها با سایر مواد شیمیایی ممکن است سبب افزایش سمیت و اثرات مضر بر اکوسیستم، موجودات آبرزی و انسان شود. بنابراین کنترل ورود آلاینده‌ها، به خصوص آلاینده‌های فاضلاب و مدیریت مناسب فاضلاب به عنوان نیاز فوری برای حفظ سلامت این تالاب ارزشمند، موجودات ساکن در آن و انسان‌ها ضروری است.

از کاستی‌های این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره نمود که در برخی از قسمت‌های تالاب، رشد گیاهان آبرزی (لاشه‌ای و شناور) و به‌خصوص آزولا به قدری زیاد بود که امکان ورود قایق به محل و برداشت نمونه آب بسیار سخت و دور از دسترس بود. اگرچه نمونه‌برداری از رسوبات در هر ایستگاه نیز می‌توانست نتایج دقیق‌تر و کامل‌تری را برای ردیابی آلاینده LAS و ارزیابی ریسک آن در یک بوم‌سازه آب فراهم کند اما نمونه‌برداری همزمان از رسوبات و آنالیز همزمان ۵۰ نمونه در رسوب با توجه به قیمت و هزینه اسپکتروفتومتر، هزینه انجام این مطالعه را بسیار افزایش می‌داد. با توجه به این که این مطالعه بصورت مقطعی و کوتاه‌مدت و با تعداد ایستگاه‌های کم انجام شده است، پیشنهاد می‌گردد جهت رسیدن به نتایجی با ضریب اطمینان بالاتر و همچنین اطلاع از سلامت تالاب بین‌المللی انزلی مطالعات بلندمدت و با تعداد ایستگاه‌های بیشتر بر روی آب و رسوبات این ناحیه صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

با نگرش به یافته‌های به دست آمده از این پژوهش، می‌توان بیان کرد ورود مقادیر بالای فاضلاب‌های شهری و صنعتی و سایر آلاینده‌ها به تالاب انزلی، صدمات جبران‌ناپذیری را بر جای گذاشته و علاوه بر کاهش کیفیت آب، تهدید اکوسیستم آبی و موجودات

آبزی، امنیت غذایی و سلامت انسان‌ها را نیز در معرض خطر قرار داده است. در این مطالعه غلظت LAS در بسیاری از ایستگاه‌ها بیشتر از حد استاندارد اعلام شده توسط سازمان حفاظت از محیط زیست ایران ($1/5 \text{ mg/l}$) و حد مجاز اعلام شده توسط EPA ($0/5 \text{ mg/l}$) بود و محاسبات ریسک LAS، ریسک زیادی را در اکثر ایستگاه‌ها نشان داد. با توجه به اهمیت تالاب انزلی به عنوان یک بوم‌سازه طبیعی، زیستگاه پرندگان مهاجر و آبزی، محل پرورش و تخم‌ریزی ماهی‌ها، صید، ماهیگیری، تامین معیشت مردم، ارزش زیبایی شناسی، اکولوژیکی، تفرجگاهی، گردشگری، امکانات تحقیقاتی، آموزشی و... ضروری است نسبت به حفاظت از آن و کنترل ورود آلاینده‌ها، اقدامات جدی و موثر صورت گیرد.

References

- 1- Thomas R, Gough R, Freeman C. Linear alkylbenzene sulfonate (LAS) removal in constructed wetlands: The role of plants in the treatment of a typical pharmaceutical and personal care product. *Ecological engineering*. 2017;106:415-22.
- 2- Lechuga M, Fernández-Serrano M, Jurado E, Núñez-Olea J, Ríos F. Acute toxicity of anionic and non-ionic surfactants to aquatic organisms. *Ecotoxicology and environmental safety*. 2016;125:1-8.
- 3- Jones-Costa M, Franco-Belussi L, Vidal FAP, Gongora NP, Castanho LM, dos Santos Carvalho C, et al. Cardiac biomarkers as sensitive tools to evaluate the impact of xenobiotics on amphibians: the effects of anionic surfactant linear alkylbenzene sulfonate (LAS). *Ecotoxicology and environmental safety*. 2018;151:184-90.
- 4- Mungray AK, Kumar P. Fate of linear alkylbenzene sulfonates in the environment: a review. *International Biodeterioration & Biodegradation*. 2009;63(8):981-7.
- 5- Ríos F, Fernández-Arteaga A, Lechuga M, Fernández-Serrano M. Ecotoxicological Characterization of Surfactants and Mixtures of Them. *Toxicity and Biodegradation Testing: Methods in Pharmacology and Toxicology*; 2018. p. 311-30.
- 6- Shah S, Bhattarai A, Chatterjee S. Surfactants, its applications and effects on environment. *Bibechana*. 2011;7:61-4.
- 7- Pérez-López M, Arreola-Ortiz A, Zamora PM. Evaluation of detergent removal in artificial wetlands (biofilters). *Ecological engineering*. 2018;122:135-42.
- 8- Zhou J, Wu Z, Yu D, Pang Y, Cai H, Liu Y. Toxicity of linear alkylbenzene sulfonate to aquatic plant *Potamogeton perfoliatus* L. *Environmental Science and Pollution Research*. 2018;25(32):32303-11.
- 9- Gong T, Zhang X, Li Y, Xian Q. Formation and toxicity of halogenated disinfection byproducts resulting from linear alkylbenzene sulfonates. *Chemosphere*. 2016;149:70-5.
- 10- Ivanković T, Hrenović J. Surfactants in the environment. *Archives of Industrial Hygiene and Toxicology*. 2010;61(1):95-110.
- 11- Perkowski J, Jóźwiak W, Kos L, Stajszczyk P. Application of Fenton's reagent in detergent separation in highly concentrated water solutions. *Fibres & Textiles in Eastern Europe*. 2006;59(5):114-9.
- 12- Jensen J. Fate and effects of linear alkylbenzene sulphonates (LAS) in the terrestrial environment. *Science of the total environment*. 1999;226(2-3):93-111.
- 13- Wang Z, Xiao B, Wu X, Tu X, Wang Y, Sun X, et al. Linear alkylbenzene sulfonate (LAS) in water of Lake Dianchi—spatial and seasonal variation, and kinetics of biodegradation. *Environmental monitoring and assessment*. 2010;171(1-4):501-12.
- 14- Sanderson H, Dyer SD, Price BB, Nielsen AM, van Compernelle R, Selby M, et al. Occurrence and weight-of-evidence risk assessment of alkyl sulfates, alkyl ethoxysulfates, and linear alkylbenzene sulfonates (LAS) in river water and sediments. *Science of the Total Environment*. 2006;368(2-3):695-712.
- 15- Wang JZ, Zhang K, Liang B. Tracing urban sewage pollution in Chaohu Lake (China) using linear alkylbenzenes (LABs) as a molecular marker. *Science of the Total Environment*. 2012;414:356-63.

- 16- Alkhadher SAA, Zakaria MP, Yusoff FM, Kannan N, Suratman S, Keshavarzifard M, et al. Baseline distribution and sources of linear alkyl benzenes (LABs) in surface sediments from Brunei Bay, Brunei. *Marine Pollution Bulletin*. 2015;101(1):397-403.
- 17- Riyahhi Bakhtiari AR, Javedankherad I, Mohammadi J, Taghizadeh R. Distribution of linear alkylbenzenes as a domestic sewage molecular marker in surface sediments of International Anzali Wetland in the southwest of the Caspian Sea, Iran. *Environmental Science and Pollution Research*. 2018;25(21):20920-9.
- 18- Jensen J, Løkke H, Holmstrup M, Krogh PH, Elsgaard L. Effects and risk assessment of linear alkylbenzene sulfonates in agricultural soil. 5. Probabilistic risk assessment of linear alkylbenzene sulfonates in sludge-amended soils. *Environmental Toxicology and Chemistry: An International Journal*. 2001;20(8):1690-7.
- 19- Makvandi R, Astani S, Cheraghi M. Environmental risk assessment of wetlands using SAW and EFMEA (Case study: international wetland Anzali). *Wetland Ecobiology*. 2013;5(17):61-74. [In Persian]
- 20- Hassanzadeh N, Sari AE, Khodabandeh S, Bahramifar N. Occurrence and distribution of two phthalate esters in the sediments of the Anzali wetlands on the coast of the Caspian Sea (Iran). *Marine pollution bulletin*. 2014;89(1-2):128-35.
- 21- APHA. Standard methods for the examination of water and wastewater. Washington, DC, USA: American Public Health Association 2005.
- 22- Sharma BM, Bečanová J, Scheringer M, Sharma A, Bharat GK, Whitehead PG, et al. Health and ecological risk assessment of emerging contaminants (pharmaceuticals, personal care products, and artificial sweeteners) in surface and groundwater (drinking water) in the Ganges River Basin, India. *Science of the Total Environment*. 2019;646:1459-67.
- 23- Ebrahimi A, Ehrampoosh M, Samaie M, Ghelmani S, Talebi P, Dehghan M, et al. Removal efficiency of linear alkyl benzene sulfonate (las) in Yazd stabilization pond. *Journal of Water and Wastewater*. 2010;21(4):38-43.[In Persian]
- 24- Dadaye Ghandi A, Esmaeli Sari A, Khodaparst S. Assessing water contamination with anionic surfactants in Anzali Lagoon. *Iranian Scientific Fisheries Journal*. 2005;14(3):61-8. [In Persian]
- 25- Soleimani Roudi A, Nasrollahzade Saravi H, Afraei MA, Younesipour H. Spatial and Temporal Concentration of Anionic Surfactant of Water in the Southern Caspian Sea. *Journal of Oceanography*. 2015;6(22):107-14. [In Persian]
- 26- Khayadani M, Pour Moghadas H, Goudarzi B, Vahid Dastjerdi M. Investigation of linear alkyl benzene sulfonate (LAS) concentration in Zayandehrood area (from Aseman Cham to Ziar Bridge), its peripheral wells and south Isfahan wastewater treatment plant. 11th National Conference on Environmental Health; 7-9 october; Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan: Sivilica; 2008. p. 1-7. [In Persian]
- 27- Hajian Nejad M, Godarzi B, Taheri E, Vahid Dastjerdi M. Investigation of linear alkyl benzene sulphonate (LAS) concentration in Zayandehrood River and Wells in skirt of Zayandehrood in 2007. *Journal of Health System Research*. 2012;7(6):1-9. [In Persian]
- 28- USEPA. Volunteer Estuary Monitoring Manual, A Methods Manual, Second Edition, Chapter 11: pH and Alkalinity. Washington, DC: US Environmental Protection Agency, Office of Water, Office of Wetlands ; 2006.
- 29- Hoshyari E, Hasanzadeh N, Charkhestani A. Ecological and health risk assessment of linear alkylbenzene sulfonates in Doroodzan dam (Fars). *Iranian Journal of Health and Environment*. 2019;12(1):129-40. [In Persian]
- 30- APHA. Standard methods for the examination of water and wastewater. Washington, DC: American Public Health Association, American Water Works Association, Water Environment Federation; 1998.
- 31- USEPA. water: Monitoring & Assessment, Conductivity. Washington, DC: United States Environmental Protection Agency; 2012.
- 32- Sakai N, Shirasaka J, Matsui Y, Ramli MR, Yoshida K, Mohd MA, et al. Occurrence, fate and environmental risk of linear alkylbenzene sulfonate in the Langat and Selangor River basins, Malaysia. *Chemosphere*. 2017;172:234-41.

- 33- Wei GL, Liu LY, Bao LJ, Zeng EY. Tracking anthropogenic influences on the continental shelf of China with sedimentary linear alkylbenzenes (LABs). *Marine pollution bulletin*. 2014;80(1-2):80-7.
- 34- Shariati S, Pourbabaee A, Alikhani H, Rezaei K. Assessment of phthalic acid esters pollution in Anzali wetland, north of Iran. *International Journal of Environmental Science and Technology*. 2018:1-12.